

کتاب و پوست کلفت و شماره ۱۵۰ قفسه کتاب



محمدصادق علیزاده

دبیر قفسه کتاب

این شماره یکصد و پنجاهمین شماره ضمیمه هفتگی قفسه کتاب است. به عبارت دقیق‌تر و ساده‌تر اگر هفته‌های تعطیل را در نظر نیاوریم، بر و بچه‌های قفسه کتاب ۱۰۵۰ روز است که با ضمیمه هفتگی‌شان در روزنامه جام جم مهمان خانه‌ها و ذهن

و روان و فکر شما بوده‌اند. شما ۱۰۵۰ روز است که هر هفته در روزهای سه‌شنبه جام جم را ورق زده و لابه‌لای سطرهای قفسه کتاب، بالا و پایین رفته و با بعضی از کتاب‌های پیشنهادی تحریریه قفسه موافق بوده‌اید، با بعضی‌هایش هم حال نکرده‌اید و احتمالاً توی دل‌تان چند فقره دری وری هم حواله تحریریه کرده‌اید.

مهم نیست که بعضی‌ها شاید توی دل‌شان فکر کنند در روزگار شلتاق موبایل‌های هوشمند، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که دیگر هیچ سوراخ و سنبه‌ای از زندگی بشر را برای خودش نمی‌گذارند و به هر جایی سرک می‌کشند، هنوز رسانه‌ای به نام کتاب، محلی از اعراب دارد یا نه و باز هم مهم نیست در روزگاری که دل همه برای محیط‌زیست، درخت، اکسیژن ناب و مناظر طبیعت مثل گنجشک می‌زند، ممکن است بعضی‌هایی هم پیدا شوند که بگویند حیف درخت که بریده می‌شود تا کاغذ شود و تحریریه قفسه کتاب، تراوشاتش را روی آنها قلمی کند. صد البته که باز هم مهم نیست که تا یک نفر با یکی از بچه‌های تحریریه قفسه کتاب مواجه می‌شود، باقی‌افه عاقل اندر سفیهی رو به ما می‌کند و می‌گوید مگر مردم هنوز هم کتاب می‌خوانند که شما دارید درباره کتاب می‌نویسید.

و البته باز هم مهم نیست که سینه‌چاکان تکنولوژی و اینترنت، راست برون و چپ بیایند و متلک بارمان کنند که در روزگاری که به مدد یک کتابخوان الکترونیک هوشمند، می‌شود هزاران و حتی میلیون‌ها کتاب را بدون هیچ مزاحمتی، حمل و نقل کرد، چرا بعضی از ابنای بشر پیدا شده‌اند که مخ‌شان تاب دارد، همچنان دارند با بوی کتاب کاغذی مست می‌شوند و به مانند جماعت شریف معاتید، از بوی کتاب، کاغذ و چاپ نشئه می‌شوند و راهی آن دنیا، اینها همه را گفتم که این را بگویم:

این جماعتی که در این هزار و خورده‌ای روز و ۱۵۰ شماره قفسه کتاب که هر هفته اسم‌شان توی شناسنامه ذکر شده و همچنان مشغول به جوریدن لابه‌لای صفحات کتاب‌ها هستند، پوست‌شان کلفت‌تر از اینهاست که با این طعن و کنایه‌ها بخواهند میدان را خالی کنند که اگر قرار بر خالی کردن میدان بود، ۳۰۰ سال قبل آن را خالی می‌کردند که روزنامه از راه رسید، بعد هم رادیو، تلویزیون و سینما، حالا هم که اینترنت فضای مجازی! الغرض که همه اینها آمده‌اند و رفته‌اند و کتاب همچنان هست که هست! خلاصه که عرض خود می‌برید و زحمت ما می‌دارید. سلامتی همه کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌خوارها و گرم کتاب‌های پوست کلفت بزنید آن کف قشنگ را!!

به توصیه سایت ReadingRoom چندتایی کتاب معرفی کرده‌ام بلکه مقبول افتد

قفسه برفی



شاید باورش برایتان سخت باشد اما باید بگویم که این بار نشست‌ام و در سایت Reading Room چرخ می‌زدم و کتاب‌هایی که درباره زمستان بود و برف هم عضو اصلی داستان به حساب می‌آمد را پیدا کردم و چندتایی‌اش را برایتان انتخاب کردم. اصلاً چرا باورتان نشود؟ مگر قبلاً این کار را نکرده بودم؟ پناه بر خدا از دست شما خوانندگان قفسه کتاب. به‌طور کلی خواندن کتاب‌های درباره برف در شب‌های زمستان می‌تواند تفریح خوبی محسوب شود به‌ویژه در کشورهایی که زمستانی گرم و بدون برف را سپری می‌کنند. اما بهترین کتاب‌هایی از این دست کدامند؟ بچه‌های تحریریه ما در این شماره اختصاصی برایتان قلم‌فرسایی کردند و در این زمستان بدون برف، قفسه برفی را برایتان آماده کرده‌اند. حالا هم دل به متن بدهید تا ببینیم که سایت Reading Room چه کتاب‌هایی با موضوع برف را معرفی کرده است....



زینب آزاد

دستیار دبیر قفسه کتاب

آدم‌های زمستانی، نوشته جنیفر مک‌ماهون

The Winter People

این رمان دلهره‌آور همیشه داستانی مناسب برای یک روز کسل‌کننده محسوب شده و همچون تمامی داستان‌های رازآلود، «آدم‌های زمستانی» را از آغاز به سختی می‌توان زمین گذاشت. داستان این رمان در منطقه جنگلی سرد و دورافتاده در حوالی ایالت ویرجینیای آمریکا رخ می‌دهد؛ زنجیره‌ای از مرگ‌های مرموز و ناپدید شدن رازآلود آدم‌ها شهری را در وحشت فرو می‌برد. روتی، دختر شخصیت اصلی داستان پس از ناپدید شدن مادرش باید برای یافتن او با خواب‌زدگان فراطبیعی و کهن که در جنگل سرگردان هستند مواجه شود. داستان از نگاه روتی و خاطرات یاراشی هریسون، زنی که اوایل دهه ۱۹۹۰ ناپدید شده بود روایت می‌شود. آدم‌های زمستانی حکایت روابط مادر و دختری، گم‌گشتگی و ارواح شهری کوچک است.

اتان فروم، نوشته ادیت وارتن

Ethan From

این یک داستان کلاسیک آمریکایی است که در دل و جان شما نفوذ می‌کند. مکان آن در مزرعه فروم واقع در نیوانگلند می‌گذرد و روایتگر تاریخچه‌ای است از روزگاران غمبار زندگی و عشق او. آنچه که این رمان را جذاب می‌کند بعد تراژیک آن در یک روز برفی نیست بلکه روایت یک زندگی در مزرعه‌ای به هنگام افول زمستان است. همچون خانه عروسک این رمان وارتن هنجارهای اجتماعی و رزندی برآمده از آن را به چالش می‌کشد.

آوای وحش و سپیددندان، نوشته جک لندن

The call of the Wild & White Fang

این دو داستان مشهور جک لندن آمریکایی درباره سگ‌هایی است که برای بقادر آلاسکای یخ‌زده تلاش می‌کنند. ممکن است از نخست برای شما ترسناک به نظر برسد. آوای وحش بر مبنای تجربیات خود نویسنده هنگام گذران زندگی در کانادا نوشته شده است که با وجود این که شخصیت اصلی آن یک سگ است، داستان آن در نهایت واقع‌گرایی بیان شده. سپیددندان به نوعی همان موضوع داستان قبلی را دنبال می‌کند؛ حکایت یک سگ گرگ که در برابر شرارت‌های طبیعت، حیوانات و از همه بدتر، انسان‌ها مقاومت می‌کند. هر دو رمان بسیار زیبا هستند و ارزش خواندن در سرمای زمستان را دارند. درباره این کتاب در پرونده ویژه بیشتر می‌خوانید.

روز پس از فردا، نوشته رونالد امریک و وایفلی استریبر

The Day After Tomorrow

با خواندن این رمان خدا را شاکر می‌شوید که در شهر شما ممکن است تنها تا مچ پایتان برف ببارد. «روز پس از فردا» هرچند در زمستان نمی‌گذرد اما از تابستانی گرم حکایت دارد که یخ‌های قطب شمال آب می‌شوند و دومین عصر یخبندان را برای زمین رقم می‌زند. از این رمان فیلم سینمایی نیز ساخته شده است.

کودک برفی

نوشته ایووین ایوی

The Snow Child

این داستان خیالی خارق‌العاده در آلاسکا می‌گذرد؛ منطقه‌ای که به زمستان‌های سختش شهرت دارد. جک و میبل تازه‌واردان به این منطقه هستند که از تنهایی، کارگری و حزن و اندوه رنج می‌برند. رابطه این زوج بدون فرزند و غمگین رو به سردی می‌گراید اما در یک روز برفی آنها یک کودک برفی می‌سازند؛ این کودک شب‌هنگام جان می‌گیرد و به دلیل ماهیت برفی خود می‌تواند در سرمای طاقت‌فرسای آلاسکا دوام بیاورد. سردی عشق این زوج با حضور این کودک گرم‌تر می‌شود اما ... نوشته زیبا و تصویرسازی منحصر به فرد از مناظر برفی جذابیت داستان را چندبرابر کرده است.

خانه عروسک

نوشته هنریک ایبسن

ADoll's House

این نمایشنامه شاهکار نویسنده نروژی ایبسن است که حکایت زنی از طبقه متوسط را روایت می‌کند. وی تلاش دارد قوانین زن بودن دوران خود را بشکند. داستان این نمایشنامه در زمان کریسمس و آغاز سال نو در حومه سرد و تاریک یک شهر می‌گذرد و یادآوری جنایات گذشته این زن است و در نهایت درمی‌یابد که از زندگی چه می‌خواهد. «خانه عروسک» داستانی تلخ است که شمارا وامی‌دارد تا در معنای ازدواج تعمق بیشتری کنید.

اجرام آسمانی نورانی،

نوشته الینور کاتون

The Luminarie

این داستان حکایت گروهی از جویندگان طلاست که در نیوزیلند قرن نوزدهم می‌گذرد. این رمان نمونه دیگری از یک رازآلود برفی به شمار می‌رود. والترمودی، شخصیت محوری مرموز و ثروت‌طلب این کتاب در یک شب توفانی به هتلی می‌رسد که در آن ۱۲ تن دیگر اقامت دارند. هر کدام از این مردان با نیتی مشابه تلاش می‌کنند تا رازی ناگشوده را حل کنند. اجرام آسمانی نورانی کتابی ۸۰۰ صفحه‌ای است که خواندن آن برای یک آخر هفته زمستانی بسیار مناسب است. هرچند داستان سبک و ویکتوریایی جذابیت آن را دوچندان می‌کند.